

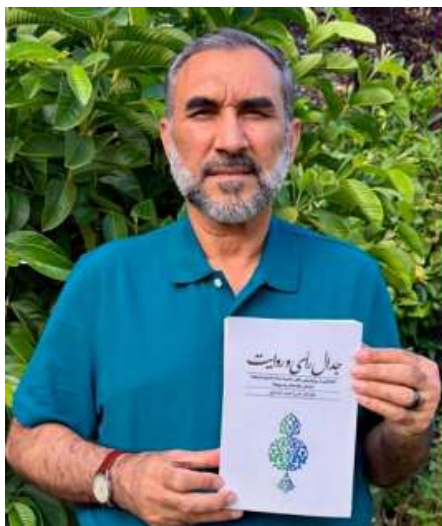
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۸ / ۲۷

ولي الله ملكزی

دكتور انصاری و بازخوانی اختلاف تاریخی میان عقل و نقل



ولي الله ملكزی

کتاب «جدال رأی و روایت» اثر دكتور خواجه بشير احمد انصاری، تحقیق مفصل در حوزه تاریخ اندیشه اسلامی، فقه و حدیث است که یکی از مهم ترین منازعات فکری در میان «اهل رأی» و «اهل حدیث»، شمرده می شود. نویسنده با بهره گیری از منابع کلاسیک فقه، حدیث و رجال آن می کوشد این اختلاف را در بستر تاریخی آن بازخوانی کرده و از رهگذر نقد منابع، برخی قضاوت های رایج در باره امام اعظم ابوحنیفه را مورد ارزیابی دوباره قرار دهد. هدف نویسنده نه دفاع جانبدارانه از مسلک خاص و نه دامن زدن به اختلافات مذهبی است؛ بلکه مقصود بازخوانی مستند بخشی از تاریخ تفکر در آن دوره، نقد، ارزیابی روایات و تقویت گفت و گوی علمی مبتنی بر شواهد میان پیروان مذاهب اسلامی است.

انصاری بحث را از قرون نخستین اسلامی آغاز می کند؛ دورانی که با گسترش قلمرو، مسلمانان با مسائل جدیدی رو به رو شدند که در باره بسیاری از آنها نص صریحی در قرآن و سنت وجود نداشت.

این وضعیت به شکل تدریجی منجر به دو رویکرد متفاوت در استنباط احکام فقهی انجامید. در حجاز (مکه و مدینه) به دلیل حضور شمار بیشتری از صحابه کرام (رض) و فراوانی روایات، گرایش غالب بر نقل حدیث و آثار صحابه استوار بود و این جریان بعدها به «اهل حدیث» شهرت یافت. در مقابل، در عراق مخصوصاً در کوفه شرایط اجتماعی و کمبود روایات معتبر موجب شد فقها در کنار قرآن و سنت، از قیاس، اجتهاد و رأی نیز بهره گیرند. این جریان به «اهل رأی» معروف شد که امام ابوحنیفه در صدارت آن قرار داشت.

نویسنده تأکید می کند که این دو جریان، بیانگر دو روش متفاوت در فهم شریعت بودند، نه دو مکتب متعارض در اصول اعتقادی. بخش مهمی از کتاب به بررسی زندگی، روش فقهی و جایگاه علمی امام ابوحنیفه اختصاص یافته است. موصوف می کوشد نشان دهد که نسبت مخالفت با احادیث نبوی به امام ابوحنیفه، با شواهد تاریخی سازگار نیست. زیرا امام اعظم سنت صحیح پیامبر اکرم ﷺ را حجت می دانست، اما در پذیرش احادیث، معیار های خاص را رعایت می کرد و در موارد فقدان نص، از قیاس و اجتهاد بهره می گرفت. به همین دلیل، اختلاف او با برخی محدثان بیش از آنکه اختلافی در اصل حجیت سنت باشد، اختلافی در روش استنباط و شیوه ارزیابی روایات بود.

همچنین، کتاب به بررسی گزارش های موجود در منابع حدیث، رجال آن و اصول فقهی امام ابوحنیفه اختصاص یافته است. نویسنده این روایات را از منظر اعتبار سند، جایگاه راویان، شرایط سیاسی و اجتماعی زمان و میزان سازگاری آنها با منابع دیگر بررسی می کند. بر اساس این تحلیل، برخی انتقاد های تاریخی از پشتوانه قابل قبول برخوردارند، اما بخشی دیگر ممکن است در فضای رقابت های علمی و منازعات مذهبی شکل گرفته یا در گذر زمان دچار اغراق و جانبداری شده باشند. بخش دیگری از این کتاب به ارزیابی نسبت فکری میان امام بخاری و امام ابوحنیفه اختصاص یافته است.

مؤلف در این بخش این پرسش را مطرح می کند که آیا انتقاد های منسوب به امام بخاری، متوجه شخصیت علمی امام ابوحنیفه بوده است یا بیشتر به تفاوت دیدگاه ها در روش شناسی (منهج) استنباط احکام باز می گردد؟ تحلیل کتاب بر این دیدگاه استوار است که بخش عمده این اختلاف ها، اختلافات فقهی و روش شناختی بوده و نباید آن ها را به تقابل

شخصی یا نفی جایگاه علمی هیچ یک از این دو امام بزرگ تعمیم داد. انصاری تنها به گرد آوری روایات بسنده نمی کند، بلکه درباره اعتبار منابع، تعارض گزارش ها و نقش وابستگی های شدید مذهبی در انتقال روایت های تاریخی نیز بحث می کند. از دیدگاه او، هیچ گزارشی صرفاً به دلیل درج در منابع کهن، از نقد تاریخی بی نیاز نیست و محققین باید با استفاده از معیار های علمی، اعتبار هر روایت را به طور مستقل مطالعه کنند.

به نظر من، پیام بنیادی کتاب این است که بیشتر اختلافات امروزی میان مذاهب اسلامی، ناشی از برداشت های تاریخی و گاه روایات متعارض است. از همین رو، بازنگری انتقادی تاریخ، مراجعه مستقیم به منابع اصلی و بحث های علمی می توانند در کاهش سوء تفاهم های مذهبی نقشی مهم ایفا کنند. اگرچه این اثر در مجموع لحنی نسبتاً همدلانه نسبت به امام اعظم به کار گرفته است، اما نویسنده کوشیده تا این رویکرد را بر پایه تحلیل تاریخی، نقد اسناد و ارزیابی علمی منابع استوار دارد، نه بر بنیاد گرایش مذهبی. از این رو، این اثر را می توان تلاشی ارزشمند در بازنگری و تحلیل علمی تاریخ فقه اسلامی به شمار آورد.

با نگاهی منصفانه، می توان گفت که این کتاب از چهار خصوصیت برجسته برخوردار است: نخست، ساختار آن منظم، منسجم و پیوسته است؛ به گونه ای که مباحث با ترتیب منطقی و موضوعی تنظیم شده و هر مبحث به طور طبیعی ادامه مبحث پیشین به شمار می رود. دوم، نویسنده از جسارت علمی خوبی برخوردار است؛ زیرا به تحلیل موضوعاتی پرداخته که کمتر کسی جرئت ورود به آن ها را دارد. در جامعه مذهبی ما، معمولاً از کنار دیدگاه های چنین امامان بزرگی (ابوحنیفه و بخاری) با احتیاط عبور می کنند و توان تحمل حساسیت های آن را ندارند.

سوم، کاتب کتاب به بررسی شماری از مباحث چالش برانگیز دینی پرداخته است؛ موضوعاتی که کمتر مورد تحلیل محققین قرار گرفته اند. پرداختن به این گونه مباحث، مستلزم دقت علمی، مطالعه ای عمیق و رویکردی نقادانه و مسئولانه است؛ اصولی که در سراسر این اثر دیده می شود. چهارم، با وجود آن که دکتور انصاری پیشینه و فعالیت های سیاسی دارد، تلاش کرده است مباحث را بر اساس تحقیق و استدلال مطرح کند و از دیدگاه سیاسی خویش فاصله بگیرد. از همین رو، رنگ و جنبه سیاسی در آن بسیار کم و به ندرت دیده می شود.

خواجہ بشیر که یک تحلیل گر، سخنور و مؤلف با جرات کشور است، اثر خویش را به امام اعظم اهداء نموده چنین می نویسد: «به پیشوای بلند قامت عقل و تقوا و پرچمدار مدارا و اخلاق در تاریخ و سنت اسلامی، حضرت امام ابوحنیفه رضی الله عنه تقدیم است». «جدال رأی و روایت» که در قالب چهار فصل و ابواب گوناگون تنظیم گردیده، ۶۸۲ صفحه دارد. طی سال جاری به زیور چاپ آراسته شده، و یکی از کتاب های تخصصی مهم در حوزه عقلانیت و روایت به شمار می رود. این کتاب به دلیل استناد گسترده به متون و منابع کلاسیک اسلامی و روش شناختی مسائل تخصصی ابزاری کارآمد و گفتمان ساز را در اختیار دانشمندان قرار می دهد. از این رو، مطالعه آن به استادان پوهنتون ها، محققین حوزه مذاهب و محصلین رشته های تاریخ، فقه، حدیث و معارف اسلامی که در پی درک ریشه های فکری و تاریخی منازعات کلامی و فقهی هستند، مؤکداً توصیه می شود.

در پایان، به دوست عزیزم دکتور بشیر انصاری تبریک عرض می دارم و از درگاه الله متعال، توفیق روز افزون در نگارش آثار علمی و تخصصی ارزشمند را مسئلت دارم. امید است چنین تلاش های آکادمیک معرفت افزا، با ترویج روحیه نقد پذیری و عقلانیت به بیداری فکری، همدلی و بازسازی نسل جوان یاری رساند تا ساختار ذهنی آنان را از رسوبات افراط، تعصب قومی، سمتی، گروهی، زبانی و فرقه گرایی مذهبی پاک و منزه سازد.

یار زنده، صحبت باقی

قابل توجه: اگر خوانندگان گرامی وقت و علاقه داشته باشند، می توانند سایر نوشته ها و تحلیلات ولی الله ملکزی را در صفحه فیسبوک و چینل یوتیوب او مطالعه و مشاهده کنند. آدرس آن چنین است: Wali Malakzay



د لیکیوال نوری لیکنی په دی لینک کی ولولی